

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده علوم سیاسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی

عنوان:

فراز و فرود مناسبات سیاسی انگلیس با جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما

جناب آقای دکتر حبیب الله ابوالحسن شیرازی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر جهانبخش محبی نیا

نگارنده

حسن صنعتی

تابستان ۱۳۹۳

تعه‌نامه اصالت پايان نامه كارشناسي ارشد

اينجانب حسن صنعتي دانش آموخته مقطع كارشناسي ارشد به شماره دانشجويي ۹۱۰۵۹۴۸۳۵ در رشته علوم سياسي كه در تاريخ از پايان نامه خود تحت عنوان فراز و فرود مناسبات سياسي انگليس با جمهوري اسلامي ايران با كسب نمره و درجه دفاع نموده ام بدنيوسيله متعهد مي شوم:

۱- اين پايان نامه حاصل تحقيق روبه پژوهش انجام شده توسط اينجانب بوده و درموردي كه از دستاوردهاي علمي و پژوهشي ديگران (اعم از پايان نامه، كتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رويه هاي موجود نام منبع مورد استفاده و ساير مشخصات آن را در فهرست ذكر و درج کرده ام.

۲- اين پايان نامه قبلاً براي دريافت هيچ مدرک تحصيلي (هم سطح پايين، پايين تر يا بالاتر) در ساير دانشگاهها و موسسات عالي ارائه نشده است.

۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصيل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداري اعم از چاپ كتاب، ثبت اختراع و... از اين پايان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشي واحد مجوزهاي مربوطه را اخذ نمايم.

۴- چنانچه در هر مقطع زماني خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشي از آن را بپذيرم و واحد دانشگاهي مجاز است با اينجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصيلي ام هيچ گونه ادعائي نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگي: حسن صنعتي

تاريخ و امضاء:

بسمه تعالی

در تاریخ

حسن صنعتی دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره به
حروف و با درجه مورد تصویب قرار گرفت.

امضاء استاد راهنما

تقدیم و سپاسگزاری

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که هستی مان بخشید، به طریق علم و دانش رهنمونمان شد و به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت. سلام و درود برخاتم رسولان حضرت محمد(ص) و خاندان پاک او، طاهران معصوم(ع) هم آنان که وجودمان و امدار وجودشان است و نفرین پیوسته بر دشمنان ایشان تا روز رستاخیز.

بدون شک جایگاه و منزلت معلم، اجل از آن است که در مقام قدردانی از زحمات بی شائبه ی او با زبان قاصر و دست ناتوان چیزی بنگارم. اما از آنجایی که تجلیل از معلم، سپاس از انسانی است که هدف و غایت آفرینش را تامین می کند و سلامت امانت هایی را که به دستش سپرده اند، تضمین می کند، بر حسب وظیفه و از باب " من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزّ و جلّ " وظیفه دارم تا ابتدا ضمن طلب غفران الهی برای روح پدرم، از مادر عزیز و برادران بزرگواری که در تمام عرصه های زندگی یار و یاور بی چشم داشت برای من بوده اند و زیبایی حضور همسر و دو فرزند نازنین در کنارم، که خستگیهای این راه را به امید و روشنی تبدیل کرده قدردانی نمایم و امیدوارم بتوانم در آینده ی نزدیک جوابگوی این همه محبت آنها باشم.

لازم میدانم از استاد با کمالات و شایسته، جناب آقای دکتر حبیب اله ابوالحسن شیرازی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند،

همچنین از استاد صبور و با تقوا، جناب آقای دکتر جهانبخش محبی نیا، که زحمت مشاوره این رساله را در حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید، تشکر و قدردانی نمایم. باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	مقدمه.....
۲	فصل اول: کلیات پژوهش.....
۳	بخش الف: روش شناسی و متدلوژی پژوهش.....
۳	۱-۱. بیان مسئله تحقیق.....
۳	۲-۱. اهمیت موضوع تحقیق و انگیزه انتخاب پژوهش.....
۳	۳-۱. سؤال و فرضیه تحقیق.....
۴	۱-۳-۱. سئوالات اصلی.....
۴	۲-۳-۱. فرضیه.....
۴	۴-۱. مدل تحقیق.....
۴	۵-۱. روش تحقیق.....
۴	۶-۱. روش گردآوری اطلاعات.....
۴	۷-۱. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات.....
۴	۸-۱. متغیرها و واژه های کلیدی.....
۴	۱-۸-۱. متغیرهای مستقل.....
۳	۲-۸-۱. متغیرهای وابسته.....
۴	۳-۸-۱. مفاهیم کلیدی تحقیق.....
۷	۹-۱. سازماندهی پژوهش.....
۸	بخش ب: چارچوب نظری پژوهش.....
۸	۱۰-۱. رهیافت و چارچوب نظری.....
۹	۱۱-۱. رویکردسازه انگاری.....

۱۰- نظریه سازه انگاری و تحلیل فرآیندهای سیاست خارجی.....۱۰

۱۱- نظریه سازه انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....۱۱

فصل دوم: تاریخچه روابط ایران و انگلستان تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی.....۱۶

۱۷- ۱- آغاز روابط در قرن سیزدهم.....۱۷

۱۸- ۲- روابط دوکشور در دوران صفویه.....۱۸

۲۱- ۳- روابط دوکشور در دوران افشاریه.....۲۱

۲۶- ۴- روابط دوکشور در دوران زندیه.....۲۶

۲۷- ۵- روابط دوکشور در دوران قاجاریه.....۲۷

۳۵- ۶- روابط دوکشور در دوران پهلوی.....۳۵

۳۵- ۱- ۶- ۲- رضاخان.....۳۵

۳۶- ۲- ۶- ۲- محمدرضا شاه.....۳۶

فصل سوم: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....۴۱

بخش الف: اصول، اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران.....۴۲

۴۲- ۱- ۳- اصول سیاست خارجی ج. ا. ا. در چارچوب قانون اساسی.....۴۲

۴۴- ۲- ۳- اهداف و منافع ملی ج. ا. ا.....۴۴

۴۶- ۳- ۳- اهداف فراملی ج. ا. ا.....۴۶

۴۶- ۱- ۳- ۳- وحدت جهان اسلام و تشکیل جهانی اسلامی.....۴۶

۴۷- ۲- ۳- ۳- صدور انقلاب.....۴۷

۴۷- ۳- ۳- ۳- حفظ کیان اسلام.....۴۷

۴۸- ۴- ۳- ۳- دعوت.....۴۸

بخش ب: منابع ملی، استراتژی و راهبردهای سیاست خارجی ج.ا.ا.....	۴۸
۴-۳. موقعیت جغرافیایی.....	۴۸
۵-۳. فرهنگ تمدن.....	۴۹
۱-۵-۳. فرهنگ سیاسی.....	۵۱
۲-۵-۳. ایدئولوژی و گفتمان.....	۵۲
۶-۳. پیشینه تاریخی.....	۵۴
۷-۳. ویژگی اجتماعی.....	۵۵
۱-۷-۳. ترکیب اجتماعی.....	۵۶
۸-۳. ویژگی اقتصادی.....	۵۷
۱-۸-۳. نظام اقتصادی.....	۵۷
۲-۸-۳. منابع انرژی.....	۵۸
۹-۳. استراتژی و راهبردهای ایران برای پیشبرد دیپلماسی عمومی ایران.....	۶۰

فصل چهارم: اصول و مبانی سیاست خارجی انگلستان.....

۱-۴. انگلستان از لحاظ موقعیت جغرافیایی و مذهبی.....	۶۴
۲-۴. حکومت انگلستان.....	۶۵
۱-۲-۴. سلطنت.....	۶۷
۲-۲-۴. جانشینی و تاج گذاری.....	۶۷
۳-۲-۴. عملکرد حکومت.....	۶۸
۴-۲-۴. دیدارهای تشریفاتی.....	۶۹
۵-۲-۴. درآمد سلطنتی و مخارج.....	۷۰
۳-۴. پارلمان.....	۷۰

- ۷۲.....۱-۳-۴.مجلس اعیان.....
- ۷۴.....۲-۳-۴.مجلس عوام.....
- ۷۵.....۱-۲-۳-۴.اقتدارات مجلس عوام.....
- ۷۷.....۴-۴.نظام حزبی.....
- ۷۸.....۵-۴.فرآیند سیاست گذاری خارجی در بریتانیا.....
- ۸۰.....۱-۵-۴.مبانی و اصول سیاست خارجی انگلستان.....
- ۸۲.....۲-۵-۴.سیاست خارجی انگلستان پس از جنگ جهانی دوم.....
- ۸۳.....۳-۵-۴.عوامل داخلی موثر در سیاست خارجی انگلستان.....

فصل پنجم: روابط دوکشور از مقطع پیروزی انقلاب اسلامی..... ۸۴

- ۸۵-۱.مرحله اول: روابط دوکشور در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ (از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان جنگ تحمیلی عراق)..... ۸۶
- ۸۷.....۱-۱-۵.اشغال ۵ ساعته سفارت انگلیس.....
- ۸۸.....۲-۱-۵.اولین زمزمه های کاهش روابط.....
- ۹۰.....۳-۱-۵.تعطیلی سفارت بریتانیا در تهران و اشغال سفارت ایران در لندن.....
- ۹۳.....۴-۱-۵.جنگ ایران و عراق و روابط دوکشور.....
- ۹۴.....۲-۵.مرحله دوم: روابط دوکشور در فاصله سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷.....
- ۹۴.....۱-۲-۵.قضیه سلمان رشدی.....
- ۹۵.....۲-۲-۵.دادگاه میکونوس.....
- ۹۶.....۳-۲-۵.ریاست دوره ای انگلیس بر اتحادیه اروپایی.....
- ۹۷.....۳-۵.مرحله سوم: روابط دوکشور در فاصله سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۲.....
- ۹۷.....۱-۳-۵.چشم انداز تحول در روابط طرفین.....
- ۹۹.....۱-۱-۳-۵.اجلاس نیویورک، نقطه عطف روابط.....

- ۱۰۳.....مسئله انرژی هسته ای و موضع انگلیس.....۲-۳-۵
- ۱۰۶.....انگلیس و انتخابات ریاست جمهوری نهم.....۳-۳-۵
- ۱۱۱.....تحریم بانک مرکزی ایران.....۱-۳-۳-۵
- ۱۱۱.....حمله به سفارت بریتانیا در ایران.....۲-۳-۳-۵
- ۱۱۲.....انتخابات سال ۹۲ و آغاز تنش زدایی.....۴-۳-۵
- ۱۱۲.....دیدار وزیران خارجه ایران و انگلیس در نیویورک.....۱-۴-۳-۵
- ۱۱۳.....آغاز مذاکرات ژنو و استقبال انگلیس از رویکرد مثبت ایران.....۲-۴-۳-۵
- ۱۱۴.....گفتگوی تلفنی کامرون و روحانی در آستانه مذاکرات ژنو.....۳-۴-۳-۵
- ۱۱۵.....کاردان غیرمستقیم در محل ماموریت.....۴-۴-۳-۵
- ۱۱۶.....نتیجه گیری و جمع بندی.....
- ۱۲۱-۱۲۳.....منابع و ماخذ.....
- ۱۲۴.....چکیده انگلیسی.....

مقدمه:

به اعتقاد بسیاری از تحلیل گران جغرافیای سیاسی ایران به لحاظ سرزمینی و منابع انرژی در شمال و جنوب آن به گونه ای است که به طور طبیعی ایران را به یک کشور بین المللی تبدیل کرده است، به طوری که می توان گفت این عامل به علاوه توان فرهنگی از جمله عواملی هستند که موجب می شود ایران با کشورهای بزرگ فرهنگی و تمدن ارتباط داشته باشد. از طرفی دیگر ایران به عنوان نقطه ارتباط بین سه قاره و منطقه مجاور شامل اروپا، آسیای میانه و شبه قاره هند دارای اهمیت استراتژیک است و به همین دلیل اکثر کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای می کوشند در روابط خود با ایران به روندی با ثبات و صلح آمیز دست پیدا کنند و در معادلات پیچیده سیاسی آینده، ایفای نقش نمایند که انگلستان به عنوان مطالعه موردی ما در این نوشتار نیز از این قاعده مستثنی نیست.

مناسبات ایران و انگلیس از قدیمی ترین روابط در مجموعه ی مناسبات خارجی ایران محسوب می شود. سابقه حضور و نفوذ امپراتوری بریتانیا در ادوار مختلف حیات ضد استعماری مردم ایران در طول حکومت قاجاریه و پهلوی، ذهنیتی کاملاً منفی در افکار عمومی ایجاد کرده بود. بعد از انقلاب اسلامی نیز، این روابط همواره پر تنش و همراه با فراز و نشیب بوده است، به طوری که وجود تعارض اساسی در اصول اعتقادی و تضاد در نظامهای فکری و سیاسی دو طرف مانع از شکل گیری روابطی طبیعی و عاری از حساسیت بین ایران و انگلستان شده است. در این پژوهش سعی می گردد به بررسی افت و خیز روابط ایران و انگلستان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با نگاه کوتاهی به تاریخ روابط بین دو کشور در جهت مطالعه نکات مثبت و منفی و قوت و ضعف روابط فی مابین پرداخته شود تا شاید بتوان چارچوب تحلیلی مناسبی را برای درک بهتر از روابط ایران و انگلستان را جستجو نمود، همچنین سعی خواهد شد تا از هرگونه پیش داوری اجتناب شده و صرفاً ملاک ارزیابی ها، نگاه به مستندات تاریخی در رفتار دو کشور مورد ارزیابی قرار گیرد.

فصل اول

کلیات پژوهش

فصل اول: کلیات پژوهش

بخش الف: روش شناسی یا متدلوژی پژوهش

۱-۱- بیان مسأله تحقیق:

پژوهش حاضر با هدف آشنایی با عوامل تاثیرگذار بر روابط سیاسی ایران و انگلستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجام شده است.

سیاست خارجی ج.ا.ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و طی بیش از سه دهه همواره با فراز و نشیب های بسیاری در صحنه روابط بین الملل و علی الخصوص با دول اروپایی روبرو بوده است. دیدگاههای تبیین شده از سوی بنیانگذار جمهوری اسلامی بر مبنای اصل نه شرقی و نه غربی موجب گردید تا خط مشی عملی رفتار دیپلماسی ایران از طریق دولت مردان حاکم در هر برهه زمانی دستخوش تحول و سرگیریهای متفاوتی قرار گیرد.

در این کار تحقیقی تلاش میشود تا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال کشور اروپایی انگلستان در چارچوب سیاست خارجی جمهوری اسلامی و با توجه به نیازهای فزاینده دولتها در تعاملات بین المللی با یکدیگر در جهت شناسایی راههای تقویت فرصتها و کاهش تهدیدات در این روابط مورد مطالعه قرار گیرد.

۲-۱- اهمیت موضوع پژوهش:

مناسبات ایران و انگلستان از قدیمی ترین روابط در مجموعه مناسبات خارجی ایران محسوب میشود. سابقه حضور و نفوذ امپراتوری بریتانیا در دوره های مختلف تاریخ سیاسی ایران و علی الخصوص نیم قرن اخیر ضرورت بیش از پیش شناخت بهتر و کاملتری از نوع تعامل دو کشور و مطالعه جایگاه انگلستان در سیاست خارجی ایران را حائز اهمیت می نماید. بدون شک انگلستان در تاریخ چند سده اخیر یکی از تاثیر گذارترین بازیگران در تحولات سیاست خارجی ایران بوده است، کشوری که در کنار آمریکا و روسیه خطرات ناخوشایندی را در حافظه تاریخی ایرانیان تداعی می کند. در این پژوهش کوشش می شود به واکاوی روابط پر فراز و نشیب دو کشور از مقطع شکل گیری جمهوری اسلامی پرداخته شود. همچنین دلیل دیگر علاقه شخصی پژوهشگر به شناخت این روابط و سیاستهای اتخاذ شده در قبال انگلستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز سیاست خارجی انگلستان نسبت به ایران می باشد.

۳-۱- سوالات و فرضیه تحقیق:

۱-۳-۱- سؤال اصلی: عوامل عمده و موثر در فراز و فرود مناسبات سیاسی انگلستان با جمهوری

اسلامی ایران چیست؟

۱-۳-۲-فرضیه: به نظر میرسد در روابط انگلستان با جمهوری اسلامی ایران، سیاست داخلی دو کشور، روابط سیاسی طرفین، ذهنیت و سوابق تاریخی، روابط استراتژیک آمریکا با انگلستان و وقایعی نظیر مساله سلمان رشدی، اشغال سفارت انگلستان در تهران و ... منجر به فراز و فرود مناسبات دو کشور گردیده است.

۱-۴-مدل تحقیق: پژوهش نظری، کاربردی به این معنی که با استفاده از روش های تحلیل و استدلال عقلانی تجربی از نتایج آن برای الگو سازی استفاده می گردد.

۱-۵-روش تحقیق:

این پژوهش از نظر روش توصیفی، توضیحی، تاریخی و گاه تطبیقی می باشد که بصورت کتابخانه ای و استفاده از کتابهای موجود در این زمینه، مجلات، روزنامه ها و سایت های اینترنتی معتبر می باشد.

۱-۶-روش گردآوری اطلاعات:

در این پژوهش برای گردآوری داده ها از روش کتابخانه ای و بهره گیری از ابزارهای مکتوب، مقاله ها، مجله ها، فصلنامه های علمی مرتبط و سایت های اینترنتی و روزنامه های معتبر استفاده بعمل آمده است.

۱-۷-روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

روش پژوهش شیوه برخورد نظام مند یا تحقیق جامع است که در این شیوه پژوهشگر ضمن طی مراحل جمع آوری داده ها و اطلاعات و پردازش یافته به تجزیه و تحلیل پرداخته و با اتخاذ روش های مناسب سعی میکند اثبات فرضیه یا رد آن را بپذیرد. در یک چنین روشی همه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق جمع آوری و بررسی میشوند و در نهایت دست به مدل سازی بر اساس یافته ها خواهیم زد.

۱-۸-متغیرها و واژه های کلیدی:

۱-۸-۱-متغیرهای مستقل:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران / منافع ملی / سیاست خارجی انگلستان

۱-۸-۲-متغیر وابسته:

عوامل تاثیرگذار بر روابط سیاسی، اقتصادی بین دو کشور

۱-۸-۳-مفاهیم کلیدی تحقیق: سیاست خارجی، منافع ملی، انقلاب اسلامی ایران، انگلستان
سیاست خارجی (Foreign Policy): عبارتست از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین المللی است. به طور خلاصه می توان گفت که سیاست خارجی شامل تعیین و اجرای یک سلسله اهداف و منافع ملی است که در صحنه بین المللی از

سوی دولت‌ها انجام می‌پذیرد. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد و در تعریفی دیگر می‌توان این‌طور تعریف کرد که جهتی را که یک دولت بر می‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه‌ی نگرش دولت را نسبت به جامعه‌ی بین‌المللی، سیاست خارجی می‌گویند. (خوشوقت، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵).

منافع ملی :

منافع ملی را می‌توان، چنین تعریف کرد: «هدف‌های عام و ماندگاری که یک ملت برای دستیابی به آنها تلاش می‌کند». طبق این تعریف، منافع ملی، مفهوم وسیعی است که تنها به معنای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی نیست و ممکن است حیطه وسیعی که شامل دستیابی به انرژی، منابع مواد خام، فناوری جدید، توسعه اقتصادی، منطقه نفوذ و دفاع از اتباع خود در خارج از مرزها و... را نیز در خود، جای دهد. (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۳۸)

هانس جی. مورگنتا (۱۹۸۰-۱۹۰۴) نظریه پرداز آمریکایی آلمانی تبار و استاد روابط بین‌الملل و علوم سیاسی بود. وی را پدر علم سیاست خارجی در نیمه دوم قرن بیستم خوانده‌اند. وی همچنین یکی از بنیان‌گذاران نظریه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل خوانده می‌شود.

از نظر وی، برآیند مشترک بازیگران عرصه سیاست تلاش برای به دست‌گیری قدرت، حفظ آن و نمایش قدرت به منظور کسب اعتبار و وجه بین‌المللی است. مورگنتا معتقد است که دولت مردان خاورمیانه رویایی فکر می‌کنند و علمی نمی‌اندیشند و از این جهت در نظریه موازنه قدرت، مفهوم منافع ملی را محور اصلی مباحث خود قرار می‌دهند. از نظر وی «اهداف سیاست خارجی باید برحسب منافع ملی تعریف شوند.» و «منافع ملی بر حسب قدرت تعریف می‌شود». به طور مسلم برای مورگنتا قدرت و منافع ملی دو مفهوم اصلی و کلیدی است.

مهم‌ترین پیام مورگنتا در کتاب «سیاست میان‌ملت‌ها» تفکیکی است بین «آن چه هست» و «آن چه باید باشد».

هانس مورگنتا هشت عامل اصلی را به عنوان زیر بنای قدرت ذکر کرده‌است: ۱- موقعیت جغرافیایی ۲- وجود منابع طبیعی ۳- ظرفیت صنعتی ۴- وضعیت آمادگی نظامی ۵- جمعیت ۶- خصوصیات ملی ۷- روحیه ملی ۸- کیفیت دیپلماسی. (حق‌شناس، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

انقلاب اسلامی: انقلاب در لغت به معنی زیر و رو شدن یا پشت و رو شدن است، فلاسفه انقلاب را این‌گونه بیان می‌نمایند که ذات و ماهیت یک شیئی لزوماً عوض شده باشد و در نگاه جامعه‌شناسان انقلاب به معنای دگر شدن است حتی نباید بگوییم دگرگون شده زیرا دگرگون شدن یعنی اینکه گونه و کیفیتش جور دیگر شود. به عوض باید بگوییم دگر شدن یعنی تبدیل شدن به موجودی دیگر. انقلاب در ایران دگر شدن جامعه ایرانی بود با یاری گرفتن از آموزه‌های اسلام ناب محمدی که زمینه ساز جامعه توحیدی می‌باشد.

انقلاب اسلامی ایران بی‌شک پدیده‌ای نوظهور در قرن حاضر می‌باشد. انقلابی غایت‌گرا، آرمانگرا، اسلامگرا، عالمگیر، جهان‌شمول و بی‌نظیر در جهان اسلام که به رهبری امام خمینی (ره) هدایت گردید و تحولی شگرف در عرصه روابط بین‌الملل و در معادلات سیاسی دولتهای جهان پدید آورد. این رهبر تاریخ‌ساز، انقلابی را بنیان نهاد که بسان تیغی دو لبه همزمان علیه کمونیسم و کاپیتالیسم به کار گرفته شد. ایشان با هدف مقابله با سلطه ابرقدرتهای شرق و غرب، ملل اسلامی را به رویکردی مجدد به ارزشهای اسلامی فرا خواندند و با قائل شدن رابطه‌ای مستقیم میان انقلاب و ایدئولوژی، انقلاب را شرطی لازم و ضروری برای تحقق آرمانهای الهی و وسیله‌ای برای نیل به مقاصد مکتبی و ایصال جامعه بشری به تعالی انسانی تلقی کردند که در این راه در پیاده کردن نظریه خویش اهتمام نمودند. در این رهگذر، ایشان علاوه بر اهتمام به حاکمیت آرمانها و ارزشهای مذهبی، از هیچ کوششی برای تحقق جنبه‌های آزادیخواهانه و استقلال طلبانه نهضت فروگذار نمودند و بدین ترتیب انقلاب به عنوان وسیله‌ای برای تحقق جمهوری اسلامی مطمح نظر ایشان قرار گرفت. (نقیب‌السادات، ۱۳۸۷، ص ۲).

انگلستان: سیستم حکومتی انگلستان، نظام مشروطه سلطنتی و دموکراسی پارلمانی است. همچنین ریاست کشور با پادشاه یا ملکه و ریاست دولت به عهده نخست‌وزیر استوار است بر اساس حقوق اساسی غیر مدون این کشور پادشاهی بر مبنای (پارلمان‌تاریسم) تدوین و تصویب گردیده است، بر این مبنای پارلمان انگلستان متشکل از مجلس لردها و مجلس عوام به همراه پادشاه یا ملکه انگلستان حاکمیت این کشور را بر عهده گرفته و اداره می‌نماید. پادشاه یا ملکه انگلستان اختیارات بسیاری دارد، از جمله:

۱- انعقاد معاهدات و یا فسخ قراردادهای بین‌المللی، اداره امور خارجه و اجرای قوانین به نام- او انجام می‌گیرد.

۲. عزل و نصب وزیران، انحلال پارلمان و یا دعوت به تشکیل آن و یا تعطیل پارلمان از اختیارات پادشاه است.

۳. انتصاب اعضای مجلس لردها که متشکل از حدوداً ۹۲۶ لرد از شاهزادگان، اشراف و شخصیت‌های فرهنگی، علمی و بالاخره شخصیت‌های مذهبی است.

۴. عزل و نصب نخست‌وزیر و به‌طور معمول فردی را که حزب پیروز در انتخابات مجلس عوام این کشور بر می‌گزینند به نخست‌وزیری منصوب می‌نماید و عملاً در موارد بحرانی می‌تواند اقدام به عزل نخست‌وزیر این کشور نماید.

۵. توشیح لوایح یا طرح‌های مصوب پارلمان انگلستان از اختیارات پادشاه این کشور استوار می‌تواند از تأیید و توشیح مصوبات دو مجلس این کشور خودداری کند.

۶. فرماندهی نیروهای مسلح با مشورت وزیران.

۷. اختیارسیاست خارجی بامشورت وزیران.

علاوه اینکه پادشاه انگلستان در برابر هیچ یک از قوای سه گانه حاکم در انگلستان مسؤول و پاسخگو نمی باشد. انتصاب پادشاه موروثی است و عزل و برکناری او نیز اصلاً در حقوق اساسی انگلستان پیش بینی نشده است.

نخست وزیر این کشور رهبر آن حزب سیاسی است که در مجلس عوام دارای اکثریت می شود. در کلی ترین حالت در نظام سیاسی انگلیس، دولت هر سه قوه را زیر نظر دارد و بسیاری از وظایف توسط دولت با یکدیگر تطبیق داده می شوند و هیچ جدایی بین قوای مجریه، مقننه و قضاییه وجود ندارد. تمام قدرت سیاسی در دست نخست وزیر و هیات وزیران متمرکز است. وزرا توسط نخست وزیر از میان حزب سیاسی که وی به آن تعلق دارد انتخاب می گردند. در سال ۱۹۱۸ حق انحلال مجلسین و تعیین تاریخ انتخابات که با موافقت ضمنی کابینه توسط مقام سلطنت اتخاذ می گردید، به نخست وزیر محول گردید و نخست وزیر همچنین در مواقع بخصوصی به تنهایی و یا با همکاری یک یا دو نفر از وزرا، تصمیماتی را بدون مشورت با کابینه اتخاذ می کند.

نخست وزیر هیچ گاه توسط اعضای کابینه هدایت نمی گردد. در انگلیس نخست وزیر از حزبی که دارای اکثریت در مجلس عوام است انتخاب می شود و به دلیل اکثریتی که در این مجلس دارد، قادر به کنترل قانونگذاری است. کابینه انگلستان برای تصویب لوایح و قوانین، آنها را به مجلس عرضه می کند و برای تصویب آن به اکثریت پارلمان نیاز دارد و بدینسان کابینه نه تنها سازمان و تشکیلات قانونگذاری را کنترل می کند بلکه لوایح و قوانین را به مجلس برده و با دفاع و تفسیر از آنها، مذاکرات پارلمانی را درباره آنها انجام می دهد. (سایت پرسمان، ۱۳۹۳).

۹-۱- سازماندهی پژوهش:

این پژوهش در ۵ فصل تنظیم گردیده است که به ترتیب در فصل اول کلیات پژوهش شامل دو بخش (۱- روش شناسی یا متدولوژی پژوهش ۲- چارچوب نظری تحقیق)، در فصل دوم تاریخچه روابط ایران و انگلستان (قبل از پیروزی انقلاب اسلامی)، فصل سوم (شامل دو بخش) اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصل چهارم اصول و مبانی سیاست خارجی انگلستان، فصل پنجم در برگیرنده ۳ بخش که به ترتیب عبارتند از ۱- روابط ایران و انگلستان در دهه اول انقلاب اسلامی فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷- روابط دو کشور در دهه

دوم انقلاب فاصله سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۷، ۳- روابط فی مابین فاصله سالهای ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۲ و در نهایت نتیجه گیری و منابع مورد استفاده این تحقیق بیان شده است.

بخش ب : چارچوب نظری پژوهش

۱-۱-۱۰- رهیافت و چارچوب نظری

ماهیت سیاست خارجی، بازتاب مفاهیم تئوریک حاکم بر فضای سیاسی کشور، کنش، واکنش و اندرکنش دولت ها و نهادهای غیر دولتی در پهنه ی کشور، ارزیابی ها و نگرش های رهبران سیاسی و در نهایت رابطه بازیگران در صحنه بین المللی می باشد. از این منظر، سیاست خارجی همه کشورها با محیط داخلی و خارجی در تعامل است و اهداف، توانایی ها، استراتژی ها، ابزارها، تاکتیک ها، ساختار و سازمان سیاست خارجی، همچنین تصمیمات، اقدامات، و پیامد های سیاست خارجی همگی در این فرایند نقش دارند. (سجادپور، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

شاید بتوان شاید بتوان مهم ترین دستاورد های هر حوزه مطالعاتی را با میزان و کیفیت تحلیل ها و تبیین های نظری آن سنجید، زیرا این نظریه ها هستند که به یک بیان، شناخت را در یک هم نهاد ترکیب می کنند و جهان را در کل با ایجاد و ارتباط میان پدیده هایی که به ظاهر نامرتبط و بی معنا هستند، برای ما معنادار میکنند، به واقع معنای واقعیات خود امری مبتنی بر واقعیت نیست. (سیف زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴).

در روابط بین الملل نیز مانند سایر حوزه های علوم اجتماعی تلاش نظری به طور عمده معطوف به تشخیص و تبیین نظم های مهم در امور بشری است و به طور خاص تلاش علمای سیاست برای توضیح فرایندها موضوعات و برآیندهای روابط میان دولتی و فرادولتی به شکل عام است (مشیر زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹).

رابطه میان نظریه روابط بین الملل و تحلیل سیاست خارجی امری است که در دهه های اخیر مورد بحث فراوان بوده است از این منظر، فرض بر این است که این دو نه تنها می توانند ارتباط تحلیلی با هم داشته باشند، بلکه در واقع در درون هر نظریه روابط بین الملل با سیاست بین الملل کم و بیش نکات راهنمایی در مورد تحلیل سیاست خارجی وجود دارد. به جز تحلیل سیاست خارجی، نظریه روابط بین الملل از منظری دیگر نیز می تواند با سیاست خارجی در ارتباط باشد و آن عد تجویزی، عملی و سیاستگذارانه است. اگر بپذیریم که نظریه و عمل دو روی یک سکه هستند که یکی با حقیقت سرو کار دارد و دیگری با عمل سیاسی شاید بتوان گفت تمایز اصلی میان نظریه و عمل، به بیان وینسنت؛ تمایزی شبیه به تمایز میان ارزشها و واقعیت است. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲، ص ۲۴).

یکی از مسائل مهم در رشته روابط بین الملل فهم عوامل تاثیر گذار بر رفتار خارجی دولتهاست به عبارت دیگر، یکی از پرسش های اصلی در اینجا درک چگونگی و چرایی رفتار خارجی

دولت‌هاست که در این میان هر یک از نظریه‌ها به تبیین چگونگی و چرایی رفتار خارجی دولت‌ها به طور مبسوط پرداخته‌اند. تا اوایل دهه ۱۹۹۰ در حوزه روابط بین‌الملل شاهد مناظره‌های اصلی واقع‌گرایان و لیبرال‌ها از یک سو و نظریه پردازان انتقادی و خرد‌گرایان از سوی دیگر بودیم اما تمام این محورهای مناظره با حضور رویکردی جدید به نام (سازه‌انگاری)^۱ در عرصه مطالعات و پژوهش روابط بین‌الملل به چالش کشیده شدند. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۶).

سازه‌انگاری بیش از هر چیز یک چارچوب تحلیلی است که تعدادی سعی کرده‌اند از آن یک نظریه روابط بین‌الملل استخراج کنند ولی بیش از هر چیز یک چارچوب تحلیل به اصطلاح فرانتزی در کل علوم اجتماعی است که به طور اخص در مورد روابط بین‌الملل هم استفاده شده است. در برداشت سازه‌انگاران از روابط بین‌الملل، دولت یک کنشگر اجتماعی است، بنابراین، اگر دولت یک کنشگر اجتماعی است هویت و منافع اش از قبل تعیین شده نیست. دولت در بستری از قواعد اجتماعی عمل می‌کند و هم محیط داخلی و هم محیط بین‌المللی مجموعه قواعدی را بر آن بار می‌کنند که به هویت آن شکل می‌دهد و منافع در داخل و محیط اجتماعی شان در نظام بین‌الملل است از اینرو هویت واحدهای سیاسی که تحت عنوان دولت می‌شناسیم در برداشت سازه‌انگاران بسیار مهم است. (wendet, ۱۹۹۲, ۲۸)

در سازه‌انگاری تاکید بر نقش ساختارهای غیر مالی، فرهنگی، قواعد، هنجارها و ساختارهای فکری در سطح نظام بین‌الملل بر تعامل این‌ها با نظام بین‌الملل حاصل می‌شود. هویت دولت در واقع هویتی است که نئولیبرال‌ها و نئورئالیست‌ها به آن قائل هستند یعنی دولت‌هایی که در یک محیط آنارشیک قرار دارند و می‌توان انتظار داشت که آنها چه رفتاری داشته باشند. از دیگر سو، سازه‌انگاران رابطه‌ی بین هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و حقوقی و قواعد حقوقی داخلی یا ملی و تاثیر آن بر هویت دولت‌ها را بررسی می‌کنند. در اینجا تاکید بر سرچشمه‌های داخلی شکل‌گیری هویت و منافع دولت‌هاست بنابراین سیاست خارجی دولت‌ها از منظری سازه‌انگاران تعریف، هنجارها و قواعد تعریف شده، به عنوان مثال در قانون اساسی هنجارهای درون فرهنگی و فرهنگ سیاسی است. (کرمی، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰).

۱-۱۱- رویکرد سازه‌انگاری

دولت همچنان مهم‌ترین واحد سیاسی و بازیگر اصلی نظام در تبیین تعاملات بین‌المللی می‌باشد، زیرا حاکمیت و اقتدار معمول بر اساس اصول دولت‌محوری قرار گرفته است و دولت‌ها هستند که به واسطه‌ی عملکردهای خود ساختار بین‌المللی را پدید می‌آورند.

روابط بین‌الملل بی‌قاعده نیستند، بلکه از یک سری اصول و قواعدی پیروی می‌کند. روابط بین‌الملل تعدادی از کنش‌گران سیاسی را در بر می‌گیرد که در تعامل متقابل با یکدیگر می‌باشند،

^۱-constructivism

این تعامل متقابل و مستمر بر اساس قواعد هنجارهایی که به صورت بین‌الذهانی شکل گرفته اند صورت می‌پذیرد.

ساختار نظام بین‌الملل شامل هر دو عامل فرهنگی و مادی است، در عین حال ساختارهای فرهنگی مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد، زیرا هنجارها و هویت در کانون منافع ملی و فرا ملی قرار دارد. پس منافع و اهداف روابط خارجی بین دولتها ارتباط نزدیکی با هویت مسلط دولتی دارد. (هادیان، ۱۳۸۲، ص ۹۱۵).

۱-۱۲- نظریه سازه‌انگاری و تحلیل فرایندهای سیاست خارجی

تحلیل سیاست خارجی عبارت است از تجزیه و تحلیل فرایندهایی چند لایه و پیچیده شامل اهدافی که حکومت‌ها در روابطشان با سایر حکومت‌ها دنبال می‌کنند و همچنین انتخاب ابزار رسیدن به این اهداف. حوزه تحلیل سیاست خارجی نوعاً در پیوند با رفتارگرایی در روابط بین‌الملل همراه با نگرش علم‌گرایانه، کمی‌گرایانه و سطح تحلیل خرد بوده است و شاید تا حدی در واکنش به نگاه کلان‌نگر رهیافتهای سنتی به روابط بین‌الملل شکل گرفته است. هر چند که دیدگاه‌های غیر رفتارگرا نیز به نوعی به تحلیل سیاست خارجی توجه داشته‌اند. نکته مهم آن است که تحلیل‌گران سیاست خارجی رفتارگرا آنچه را که «جعبه سیاه» تلقی می‌شد، گشودند و به بررسی عوامل مختلف تعیین‌کننده سیاست خارجی کشورها و فرایند تصمیم‌گیری پرداختند. اما نکته جالب توجه آن بود که تحلیل‌گران رفتارگرایی کمی‌گرا و عینی‌گرا بودند متوجه نقش و اهمیت عناصر ذهنی در سیاست خارجی شدند. همانگونه که استیو اسمیت می‌گوید سازه‌انگاری اجتماعی باید به طور خاص برای تحلیل سیاست خارجی مناسب باشد، دقیقاً به این دلیل که بر ساختگی اجتماعی از این مفروضه در ورای بخش اعظم نوشتارهای مربوط به سیاست خارجی وجود دارد. نقطه عزیمت تحلیل سیاست خارجی چشم‌انداز دولت به مثابه کنش‌گر است و سپس به درون جعبه سیاه خاص سیاه می‌نگرد. روشن است که سیاست خارجی قلمرو (هر چند محدود) انتخاب است: کنشگران تفسیر می‌کنند و اجرا می‌نمایند. سیاست خارجی حداقل تا حدی عمل بر ساختن است، چیزی است که کنش‌گران تصمیم می‌گیرند که باشد به طور خاص در سال‌های اخیر و با توجه به گرایش فزاینده محققان سازه‌انگار به مطالعات تجربی و تاریخی، مشخص شده که سازه‌انگاری از ظرفیت نظری قابل توجهی برای تحلیل سیاست خارجی برخوردار است. (قهرمانپور، ۱۳۸۳، ص ۲۹۹).

به باور نگارنده، محور این نظریه در روند بررسی رفتارشناسی، ما را به نوعی تعبیرگرایی ارجاع می‌دهد که منشا و انگیزه رفتار سیاسی را متأثر و منتج از ساختار بین‌الذهانی به وجود آمده بر اساس تعبیر و تفسیر کنشگر سیاسی قلمداد می‌کند. بر این اساس، دنیای اجتماعی و سیاسی بیشتر زمینه‌ای بین‌الذهانی است و برای افرادی که آن را ساخته‌اند و در آن زندگی می‌کنند و